بسم الله الرحمن الرحیم

دولت حمدانیان

فیصل سامر

مترجم: علیرضا ذکاوتی قراگزلو

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تابستان ۱۳۹۱

سامر، فیصل
دولت حمدانیان/فیصل سامر ؛ مترجم علیرضا ذکاوتی قراگزلو. ــ قــم: پـژوهشگاه حـوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
ده، ۴۷۰ص. ــ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۲. تاریخ اسلام؛ ۱۳)
بها: ۵۰۰۰۰ ریال. ISBN: 978-964-7788-81-6
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. [۴۲۳] ـ ۴۳۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
ویراست دوم.
۱. حمدانیان. ۲. سوریه ــ تاریخ ــ ۱۳۳ ـ ۶۵۹ق. الف. ذکاوتی‌قراگزلو، علیرضا، ۱۳۲۲ ـ مترجم. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
۹۰۴۱ د ۲ س / ۳ /۹۷ DS ۹۵۶/۹۱۰۲
کتابخانه ملی ایران ۱۵۶۱۲۷۶

دولت حمدانیان

مؤلف: فیصل سامر
مترجم: علیرضا ذکاوتی قراگزلو
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه
چاپ سوم: تابستان ۱۳۹۱ (چاپ دوم: بهار ۱۳۸۸)
تعداد: ۱۰۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قـم ـ چاپ سبحان
قیمت: ۸۲۰۰ تومان

کلیهٔ حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قــم: ابـتدای شـهرک پـردیسان، بـلوار دانشگـاه، پـژوهشگاه حـوزه و دانشگـاه ▣ تـلفن: ۲۱۱۱۱ (۰۲۵۱) انـتشارات: ۲۱۱۱۳۰۰
نـمابر: ۲۸۰۳۰۹۰، ص.پ. ۳۱۵۱ ـ ۳۷۱۸۵ □ تـهران: خ انـقلاب، بـین وصـال و قـدس، نـبش کـوی اُسکـو ▣ تـلفن:۱ ـ ۶۶۹۷۸۹۲۰
www.rihu.ac.ir Email:info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلّفهٔ فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینهٔ شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسهٔ پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته «تاریخ و تاریخ تمدن اسلامی» در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد، تهیه شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند گردند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشکده را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مترجم گرامی، جناب آقای علیرضا ذکاوتی قراگزلو و تلاش حجت‌الاسلام والمسلمین رسول جعفریان در تهیه طرح دولت‌های مسلمان تشکر و قدردانی کند.

فهرست مطالب

پیشگفتار ۱
مقدمه ۳

بخش اول: حمدانیان در موصل

باب اول: ظهور حمدانیان ۱۷
فصل اول: روح زمانه ۱۷
فصل دوم: نسب حمدانیان ۲۷
فصل سوم: حمدانیان و خوارج ۳۷
۱. خوارج در جزیره ۳۷
۲. هم‌پیمانی حمدان با خوارج ۴۰
فصل چهارم: حسین بن حمدان در خدمت خلیفه ۵۳
حسین بن حمدان بر ضد خوارج ۵۳
حسین بن حمدان در بلاد جبل ۵۵
حسین بن حمدان بر ضد قرامطه ۵۶
حسین بن حمدان بر ضد طولونیان ۶۱
حسین بن حمدان و توطئه‌های درباری ۶۳
حسین بن حمدان بر ضد صفاریان ۶۵
پایان کار حسین بن حمدان ۶۸
باب دوم: حمدانیان در موصل ۷۵
فصل اول: اقلیم جزیره ۷۵
الف) جغرافیا ۷۵

توصیف عمومی ۷۵
دیار بکر ۷۹
دیار مضر ۸۱
دیار ربیعه ۸۴
موصل و نواحی آن ۹۲
ب) ساکنان جزیره ۹۸
عرب ۹۸
کُردها ۱۰۷
آرامیان ۱۱۰
ج) منابع اقتصادی ۱۱۴
فصل دوم: دورهٔ ناصرالدوله ۱۱۹
زمینه ۱۱۹
شخصیت ناصرالدوله ۱۱۹
مبارزه با مونس ۱۲۵
حمدانیان و منصب امیرالامرائی ۱۳۰
دوره امیرالامرائی ۱۳۰
ناصرالدوله در سمت امیرالامرائی ۱۴۱
ناصرالدوله و آل‌بویه ۱۴۹
فصل سوم: جانشینان ناصرالدوله ۱۵۹
جنگ میان چند برادر ۱۵۹
دخالت آل‌بویه ۱۶۲
جمیلهٔ حمدانی ۱۶۶
پایان کار حمدانیان موصل ۱۶۸
پناه بردن به فاطمیان ۱۷۱
باب سوم: تمدن حمدانیان در موصل و جزیره ۱۷۹
فصل اول: نظام‌های اداری و مالی ۱۷۹
طبیعت دولت حمدانی ۱۷۹
نظام اداری ۱۸۵
نظام مالی ۱۹۰
فصل دوم: وضعیت اقتصادی ۱۹۷

سیاست کشاورزی حمدانیان ۱۹۷
تجارت و راه‌های ارتباطی ۱۹۹
صناعت ۲۰۴
فصل سوم: زندگی فرهنگی و اجتماعی ۲۰۷
ساختمان ۲۰۷
دیرهای موصل ۲۱۰
فرهنگ ۲۱۳
جامعه ۲۱۸

بخش دوم: همدانیان در حلب

باب اول: تاریخ سیاسی ۲۲۵
فصل اول: اقلیم شام ۲۲۵
شام در منابع عربی ۲۲۵
جغرافیای طبیعی شام ۲۲۷
ساکنان شام ۲۳۰
فصل دوم: سیف‌الدوله ۲۳۳
سیف‌الدوله و مورخان ۲۳۳
کودکی و پرورش سیف‌الدوله ۲۳۴
شخصیت سیف‌الدوله ۲۳۶
فصل سوم: برپایی دولت حمدانی در حلب ۲۴۱
مرحله آمادگی ۲۴۱
جنگ با اخشیدیان ۲۴۳
تنظیم دولت ۲۴۹
مشکلات داخلی ۲۵۱
فصل چهارم: جانشینان سیف‌الدوله ۲۵۷
اولاد سیف‌الدوله ۲۵۷
عهد سعدالدوله ۲۵۷
عهد سعیدالدوله ۲۷۲
باب دوم: روابط با روم ۲۸۳
فصل اول: حدود عرب ـ بیزانس ۲۸۳

جند عواصم و ثغور ۲۸۳
تشکیلات بیزانس در آسیای صغیر ۲۹۰
سازمان اداری ـ نظامی ۲۹۴
ارتش بیزانس ۲۹۸
لشکر حمدانی ۳۰۱
طبیعت جنگ و اهداف آن ۳۰۴
تماس‌های فرهنگی و تمدنی ۳۰۹
فصل دوم: جنگ‌های سیف‌الدوله با روم ۳۱۵
مرحلهٔ اول ۳۲۴ـ۳۳۲هـ.ق (۹۳۸ـ۹۴۴م) ۳۱۵
مرحلهٔ دوم ۳۳۳ـ۳۴۳هـ.ق (۹۴۴ـ۹۵۴م) ۳۱۹
مرحلهٔ سوم ۳۴۳ـ۳۴۸هـ.ق (۹۵۴ـ۹۵۹م) ۳۲۳
مرحلهٔ چهارم ۳۴۹ـ۳۵۶هـ.ق (۹۶۰ـ۹۶۷م) ۳۲۵
فصل سوم: جنگ با روم در زمان جانشینان سیف‌الدوله ۳۳۷
باب سوم: تمدن و فرهنگ ۳۴۵
فصل اول: حلب پایتخت سیف‌الدوله ۳۴۵
حلب در تاریخ ۳۴۵
استحکاماتِ حلب ۳۴۹
عمارات حمدانی ۳۵۲
فصل دوم: نظام دولت حمدانی در شام ۳۵۹
وزارت ۳۵۹
قضاوت ۳۶۱
نظام مالی ۳۶۴
فصل سوم: زندگی اقتصادی ۳۶۹
زراعت ۳۶۹
تجارت ۳۷۰
صنعت ۳۷۲
فصل چهارم: زندگی فرهنگی ۳۷۵
توجه حمدانیان به فرهنگ ۳۷۵
شعر ۳۸۲
ابوفراس ۳۸۳

متنبّی ۳۸۷
ابوالعباس نامی ۳۹۴
ابوالفرج عبدالواحد بن نصر مخزومی ۳۹۶
صنوبری و کشاجم ۳۹۶
سریّ بن احمد (سریّ رفّاء) ۳۹۸
ابوبکر محمد و ابوعثمان سعید ۴۰۰
ابوالحسن علی بن محمد شمشاطی ۴۰۰
وأواء دمشقی ۴۰۰
نثر ۴۰۲
لغت و نحو ۴۰۷
علوم عقلی ۴۱۰
فصل پنجم: زندگی اجتماعی ۴۱۵

منابع و مآخذ ۴۲۳
نمایه ۴۳۵

پیشگفتار

دو نیاز «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» را بر آن داشت تا طرحی را در زمینهٔ تاریخ دولت‌های مسلمان عرضه کند. نخست آنکه در دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد، رشته‌های «تاریخ»، و «تاریخ و تمدن اسلامی» عناوینی چند دربارهٔ شناخت تاریخ دولت‌های مسلمان وجود دارد که در خصوص بسیاری از آنها کتابی تألیف نشده است. بنابراین، عرضهٔ کتاب‌های مناسب برای پرکردن این خلأ، ضروری به نظر می‌آمد. دوم آنکه امروزه با وجود جمهوری اسلامی ایران، شناخت پیشینهٔ دولت‌های بزرگ اسلامی در طول تاریخ، بسیار سودمند و راهگشاست. دولت اسلامی ایران، که در امتداد دولت‌های بزرگ اسلامی قرار دارد و منادی احیای تمدن بزرگ اسلامی است، باید بر تجربه‌های به دست آمده تکیه کند و از آنها بهره‌مند گردد. بر این اساس لازم بود فهرستی از این دولت‌ها تهیه و برای هر یک، کتابی مناسب تألیف یا ترجمه شود.

گزینش این دولت‌ها بر اساس دامنهٔ نفوذ آنها در ابعاد زمانی و مکانی صورت گرفته است؛ چنان که گاه برخی از آنها در شرق و برخی در غرب، سال‌ها قدرت سیاسی بزرگی را در اختیار داشته و در عرصهٔ فرهنگ و تمدن اسلامی و جغرافیای سیاسی جهان نقشی مهم ایفا کرده‌اند.

از میان دولت‌های اسلامی، دولت حمدانیان، یکی از دولت‌های با اهمیت در دنیای اسلام است. همزمانی این دولت بزرگ اسلامی با دولت آل‌بویه، قدرت سیاسی ـ نظامی آن در بخش‌های وسیعی از سرزمین‌های اسلامی، رویارویی آن با صلیبیان طی سال‌های متمادی، به علاوه بسیاری از مسائل دیگری که ضمن این کتاب مورد بررسی قرار خواهد گرفت، اهمیت این دولت را بیش از پیش آشکار خواهد کرد. به علاوه، علائق شیعی این دولت و برخورد آن با تفکر ناصبی‌گری در جهان اسلام، از نقاط قوت آن است، به طوری که طی سال‌های برقراری حاکمیت دولت حمدانی، تشیع در بسیاری

از شهرهای شامات، به‌ویژه حلب گسترش فراوان یافت و عالمان شیعهٔ فراوانی از این دیار برخاستند.

کتاب الدولة الحمدانیة فی الموصل والحلب که در دو مجلد به سال ۱۹۷۰ در بغداد به چاپ رسیده، به‌رغم آنکه نزدیک به چهل سال از تألیف آن می‌گذرد، اما به دلیل اتکای نویسنده به اسناد و مدارک گسترده، همچنان به عنوان یک اثر مطلوب و سودمند دربارهٔ این دورهٔ تاریخی مطرح است. آقای فیصل السامر، استاد دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه بغداد بوده و آثار فراوانی در زمینه‌های مختلف تاریخی از خود برجای گذاشته است.

یکی از امتیازات اثر حاضر آن است که به دست توانای استاد ارجمند جناب آقای علیرضا ذکاوتی به فارسی درآمده است. تسلط استاد بر زبان عربی و لطایف و دقایق آن، همراه با تسلط ایشان به زبان فارسی، ترجمه‌ای بدیع و زیبا از این اثر پدید آورده است. سزاست از این استاد ارجمند که کار ترجمه را با دقت و در عین حال به سرعت انجام رساند، سپاسگزاری کنیم.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

گروه تاریخ

مقدمه

تاریخ دولت حمدانی حدود یک‌صد سال ادامه دارد: از برپایی امارتشان در موصل به سال ۲۹۳هـ.ق (۹۰۵/۹۰۶م) تا سقوط امارتشان در حلب به سال ۳۹۲هـ.ق (۱۰۰۱م). یعنی دولت حمدانی اواخر قرن سوم هجری و تقریباً تمام قرن چهارم هجری را دربر می‌گیرد. بررسی دولت حمدانی از جهتی بررسی یکی از دولتهای کوچک مستقل در اقالیمی از اقالیم دولت عباسی می‌باشد و شاید اهمیت آن تنها در این نهفته نیست که یکی از چندین دولت کوچک است که در دوران ضعف قدرت مرکزی و تباه شدن هیبت عباسیان ظاهر شد، و نه فقط از این لحاظ که دولتِ حمدانی مرکز مهمی از مراکز پرتوافشانی فرهنگی و جاذبهٔ فکری در آن دورهٔ درخشانِ تمدنی از دولت اسلامی است بلکه از آن جهت است که دولت حمدانی از معدود دولتهای اسلامی مستقل کوچکی بود که به حساب خلافت عباسی برپا شد و چون سدّ استواری در برابر یورش بیزانس (=رومِ شرقی) که بیت‌المقدس را هدف گرفته بود ایستاد و فی‌الواقع در دورهٔ سیادت عناصر غیر عربی از فارس و ترک و دیلم و ناتوانی عنصر عربی در مدیریت و سیاست و امور نظامی، این مرکز کم اهمیتی نیست. درست است که حمدانیان نتوانستند در قلمرو خودشان (جزیره و شام) استقرار کامل بیابند و رعایای عربشان از ایشان کاملاً خشنود نبودند، و نیز درست است که قبائل عربی در بسیاری از موارد آشکارا بر حمدانیان شوریدند اما این همه ـ که از خصوصیات شیوه‌های حکمرانی در قرون وسطاست ـ مانع از این نیست که بگوییم حمدانیان در زندگی خصوصی و عمومی‌شان عرب بودند و در شاعری و جنگاوری و کرم گستری و جوانمردی و خونخواهی و عصبیت، خصلت‌های قبائلِ عربی را به‌خوبی مجسم می‌نمودند.

برپایی دولت حمدانی با حالت ضعفی که بر خلافت عباسی در این قرن عارض شده بود سخت پیوسته است. صفاریان و سامانیان در اقالیم شرقی اعلانِ استقلال نمودند و

اخشیدیان و فاطمیان در غربِ اقالیم خلافت قیام کردند همچنین قبیلهٔ تغلب موفق شد عملاً در جزیره (شمالِ عراق) به سیادت دست یابد. حقیقت این است که وظیفهٔ حمدانیان در فرمانروایی بر این سرزمین به سبب وجود نیروهای شجاع و با اهمیت، بسیار دشوار بود. چه هرگاه خوارج را که از دیرباز مرکز فعالیتشان جزیره بود، کنار بگذاریم و قرامطه را که اینجا و آنجا شورش می‌کردند استثنا کنیم، دو نیروی بزرگ در این منطقه می‌یابیم: یکی قبائل عربی و دیگری قبائل کُرد. حمدانیان برای به تسلیم واداشتنِ عربها گاهی نرمی و گاهی تندی به‌کار می‌بُردند و در جذبِ کردان سیاستِ خردمندانه‌ای در پیش گرفتند و با ایشان خویشاوندی بر قرار کردند. بدین گونه کردان خویشاوندانِ مادریِ حمدانیان شدند و حمدانیان از نیرو و حرکتِ این عناصر نیرومند سود بردند.

خواهیم دید که حمدانیان دولت خود را نخست در موصل و به سال ۲۹۳هـ.ق برپا کردند، سپس ناصرالدوله به گسترش نفوذ خود در جزیره پرداخت و قصد اعلان استقلال داشت، جز اینکه نتوانست همهٔ عناصر استقلال و استقرار دولتش را فراهم سازد. زندگی او رشته‌ای از مبارزات تلخ با معزالدوله دیلمی بود و چون هر دو حریف درگذشتند، نزاع بین دو جانشین آنها ابوتغلب حمدانی و عضدالدوله دیلمی ادامه یافت و نتیجه آن شد که حمدانیان سیادتشان را بر جزیره از دست دادند. واقع این است که اختلاف کلمهٔ اولاد ناصرالدوله و کشمکش آنان بر سرِ قدرت از جمله اسباب تباهی سلطه‌شان در سال ۳۶۹هـ.ق (۹۷۹م) بود. در اینجا شایسته است به حقیقتِ مهمّی اشاره کنیم که دوستی و سازگاری در خاندان حمدانی امرِ نادری است و ما نمونه‌هایی از اختلاف خانوادگی آنان را خواهیم آورد.

با این حال سقوط حمدانیان در موصل به معنی ناپدید شدن آنان از صحنهٔ تاریخ نیست؛ زیرا دولت آنان تا اواخر قرن چهارم در حلب بر پا بود. سیف‌الدوله که بزرگ‌ترین و نیک‌ترین امیر حمدانی است توانست به قوت اراده و پشتکار اغلب نقاط سوریه را درنوردد و به حسابِ اخشیدیان در آنجا امارتی ایجاد کند و بلافاصله نفوذ خود را تا عواصم و ثغور (= شهرها و نواحی مرزی) گسترش دهد و بدین‌گونه قلمروش از جنوب تا دمشق و از شمال تا حدود روم امتداد یابد. اما این سرزمین‌های دور دست در زمان جانشینان او به تدریج کاهش یافت تا آنکه در زمان سعیدالدوله به سال ۳۹۲هـ.ق لؤلؤ (فاطمی) بر حکومت دست یافت و دولت حمدانی حلب به لحاظ نظری نیز سقوط کرد، هر چند عملاً در دورهٔ

سعدالدوله سقوط کرده بود، زیرا وی گاه مطیع رومیان و گاه تسلیم فاطمیان بود. برای آنکه پژوهشگر تاریخ حمدانیان را نیک بفهمد باید در پرتو روابط خارجی‌شان بدان بنگرد، و این از آن جهت است که قلمرو این دولت در نیمهٔ دوم قرن چهارم میدان کشمکش دو نیروی عظیم بیزانسی و فاطمی است.

اما بیزانسیان دشمنی‌شان با مسلمانان کهن است و به دورهٔ خلفای راشدین برمی‌گردد و مسلمانان از همان زمان تقریباً همه ساله به جهادِ مرزی می‌پرداختند. جز اینکه سیف‌الدوله بر این یورشهای عادی روح جدیدی دمید و وظیفهٔ جهاد سازش‌ناپذیر را بر دوش گرفت، تا آنجا که توانست به روم راه یابد و چند شهر آن را تصرّف کند. البته کوششهای سیف‌الدوله به جایی نرسید و به برتری دشمن انجامید و نتایج این برتریِ روم در زمانِ جانشینان سیف‌الدوله ظاهر شد و رومیان صاحب سیادت در سرزمین‌های حمدانی شدند و فتح بیت‌المقدس را هدف خود قرار دادند یعنی اعلانِ جنگِ صلیبی کردند. شایسته یادآوری است جنگ‌های سیف‌الدوله با رومیان که نام وی را بلند آوازه ساخته در عواصم و ثغور (= شهرها و نواحی مرزی) باعث رکود زراعت و دشواری تجارت و سبب مرگ و میر اهالی آن حدود یا آوارگی‌شان گردید و آن منطقه بایر و ویران شد. البته همین جنگ در دوران آرامش موقت، باعث ایجاد روابط تجاری و دینی و تمدنی میان مسلمانان و بیزانسیان گردید. از جهت دیگر همین جنگها بهترین شکل جهادی بود که سیف‌الدوله در برابر خطر بیزانسی بدان دست یازید.

اما روابط حمدانیان و فاطمیان هم از آغاز خصمانه بود با آنکه هر دو خاندان شیعی مذهب بودند؛ حقیقت آن است که روابط مذهبی در برابر مطامع سیاسی برّندگی نداشت؛ زیرا آل‌بویه شیعه مذهب نیز رو در روی حمدانیان و فاطمیان شیعه مذهب ایستادند و در مقابل، حمدانیانِ شیعه مذهب به نام خلیفهٔ عباسی خطبه می‌خواندند، با آنکه خلافت شیعی فاطمی در مصر وجود داشت. فاطمیان هم از آغاز به پیشروی در شام ـ که حدود طبیعی مصر شمرده می‌شد ـ نظر داشتند و توانستند بخشِ جنوبی شام را بگیرند و چون ضعف امیران حمدانی و سلطهٔ غلامان را بر امور احساس کردند شروع به دست‌اندازی در شمال سوریه نمودند تا آنکه سیادتشان در آن منطقه به روزگار سعدالدوله کامل گشت و به نامشان خطبه خواندند و سکّه زدند.

محقق تاریخ حمدانیان ملاحظه می‌کند که این دولت از آغاز تا پایان رنگِ نظامی دارد تا آنجا که می‌توان گفت جنگهای داخلی و خارجی همهٔ وقت و کوشش و دارایی امیران حمدانی را مصروف خود داشت و این در روزگاری بود که فیصلهٔ نهائی امور با زور، یک امر طبیعی بود.

در تاریخ این خاندان دو جنبهٔ افتخارآمیز هست که مقامشان را بالا می‌بَرَد: یکی توجه به فرهنگ، که غالب امیران حمدانی شاعر بودند. رزم و شعر از زندگی سیف‌الدوله جدایی‌ناپذیر بود؛ از این‌رو در خانهٔ خود را بر هر ادیب و عالمی گشوده بود و در عصر او برگزیدگانی از تابناک‌ترین رجال فکر و اندیشه گرد آمدند که البته برخی از اینان مبلغان و ستایش‌گران فتوحات حمدانیان و توجیه‌کنندگان شکست‌های آنان بودند. این ادیبان گرد آمده بر سفرهٔ ملوک، اغلب اشرافی‌منش بودند و جز مواردی نادر، نشانی از حیات‌عامه در آثارشان ملاحظه نمی‌شود. با این همه سیف‌الدوله را همین افتخار بس که متنبّی و ابوفراس حمدانی و ابن‌خالویه را مورد توجه و عنایت قرار داد.

نکتهٔ مهم دیگر، تلاش مجدّانه حمدانیان به‌ویژه در عصر سیف‌الدوله برای جلوگیری از خطر بیزانس، بلکه نفوذ در سرزمین‌های بیزانس و تهدید جدّی آنهاست، که بهترین دلیلش تکرار نام سیف‌الدوله، همچون یک شخصیتِ اسطوره‌ای در ادبیات بیزانسی آن عصر است.

سرگرم شدن و گرفتاری حمدانیان به جنگ‌های خارجی و کشمکش‌های درونی دو نتیجهٔ نامطلوب در پی داشت:

۱. آنان نیازمند مال فراوان بودند تا برای جنگ‌ها و لشکریان خرج کنند و ناچار به سیاستِ مالی و اقتصادی خشنی به‌ویژه در جزیره روی آوردند. ناصرالدوله به همین شیوه پیشتر اراضی جزیره را گرفت و در گردآوری مالیات سختگیری کرد و پسرش ابوتغلب نیز پا جای پای پدر گذاشت.

۲. آنها از هر نوع اصلاح مثبت روی گرداندند و هیچ خدمت اقتصادی و اجتماعی برای رعایای خویش انجام ندادند. البته پنبه‌کاری در جزیره و توجه به غلّات و حبوبات ـ که سودهای هنگفت برایشان داشت ـ در زمان آنان صورت گرفت.

هرگاه به بررسی طبیعت حکومت حمدانی برسیم، آن را ثابت نمی‌یابیم، خصوصاً در موصل که آل‌بویه استقلالِ آن را برانداختند. البته حکومتِ حَلَب پایدارتر و متمدن‌تر و پیشروتر بود و سیف‌الدوله عملاً بر سوریه شمالی و مرزها دست یافت و با عباسیان روابط

دوستانه داشت. حمدانیان برای خود وزیران و کاتبانی برگزیدند که بیشتر جنبهٔ مجری داشتند و به‌طور کامل در اختیار و مطیعِ امیران حمدانی بودند. یادآوری این نکته خوب است که همهٔ کارگزاران، حتی قضات چنین بودند؛ چنان که ابوحصین قاضی، ارث مردگان را به نفعِ سیف‌الدوله ضبط می‌کرد. نقل است که در زمان سیف‌الدوله، قاضی از شیعیان انتخاب نمی‌شد، زیرا مذهب غالب سکّان منطقه تسنّن بود، همین کار دلیل وسعتِ دید سیف‌الدوله و بیزاری وی از تعصّب مذهبی است که با معاصرانش تفاوت پیدا می‌کند. البته سعدالدوله بعضی از قضات شیعه را نیز به‌کار گرفت؛ چون بعد از سال ۳۵۱ه.ق تعداد شیعیان در حلب فزونی یافته بود.

سازمان دولت حمدانی نمونهٔ کوچکی از نظام دولت عباسی است؛ اما بدون نشانه‌های آشکار آن؛ زیرا امیران، تمام قدرت را قبضه کرده، سیاستی انعطاف‌ناپذیر در پیش گرفتند. با این حال توجه خاص حمدانیان به سپاهیان معطوف بود که وسیلهٔ اجرای سیاست نظامی آنان محسوب می‌شدند. سپاه حمدانی همچون دیگر سپاهیان اسلامی در قرن چهارم از عناصر متعددی تشکیل می‌شد و در آن عرب، ترک، دیلمی و غیره مشاهده می‌شد. جز اینکه انضباط بر آن حاکم نبود؛ به‌ویژه در دوره‌های پایانی حمدانیان، بر اثر ضعف امیران و اهمالِ جنگ با روم. می‌توان گفت غلامانی که در زمان ناصرالدوله و سیف‌الدوله هستهٔ سپاه حمدانی بودند بعدها وسیلهٔ ویرانی و از عوامل ضعف و سقوط آن شدند.

در این مختصر کوشیدم تصویر کوچکی از بحثی که پیش روی خواننده است ترسیم نمایم و به زودی برای خواننده آشکار خواهد شد که بحث من فقط محدود به فعالیت‌های سیاسی و جنگی دولت حمدانی در موصل و حلب نیست. بلکه فصل‌هایی هم به بررسی جنبه‌های تمدنی در جامعهٔ حمدانی اختصاص داده‌ام. در عین حال توجه خاصی به روابط خارجی دولت حمدانی خصوصاً با بیزانسی داشته‌ام که صفحهٔ با اهمیتی است از کشمکش‌های شرق اسلامی و غرب مسیحی. تا آنجا که می‌توانیم آن را زمینه جنگ‌های صلیبی بدانیم؛ زیرا هدف هر دو طرف فتح بیت‌المقدس بود.

در پایان دوست دارم خواننده را برای انتخاب این بحث توجیه کنم که این کار در اصل رسالهٔ دکتری من در تاریخ اسلامی از دانشگاه قاهره به سال ۱۹۳۵ میلادی است؛ آن روزگار من تصمیم گرفتم موضوعی برگزینم که تحقیق جامعی به زبان عربی دربارهٔ آن نوشته نشده باشد و در محدودهٔ تاریخ عراق در دورهٔ اسلامی باشد؛ شاید بتوانم سهمی در تاریخ بخشی

از عراق در دوره اسلامی داشته باشم. به استادانم موضوع تاریخ حمدانیان را پیشنهاد نمودم که فقط بحث‌های پراکنده‌ای راجع به سیف‌الدوله در دست بود. اما تاریخ حمدانیان به طور مشخص در حلب و جزیره چندان مورد اهتمام مورخان نبود.

اکنون که پس از سالیان دراز این کتاب با تغییراتی اساسی منتشر می‌شود احساس رضایت می‌کنم که یک وظیفه علمی انجام داده‌ام و امیدوارم در شرایطی که ما به تلاش‌های علمی نیازمندیم کار با ارزشی بوده باشد.

مآخذ

می‌توانم مآخذی را که در این بحث مورد استفاده قرار داده‌ام به دو گروه تقسیم کنم: دستهٔ اول تاریخ‌های ویژهٔ حمدانیان و دستهٔ دوم تاریخ‌های عمومی اسلامی.

در اینجا نمی‌خواهم بحث مفصلی از کتاب‌هایی که استفاده کرده‌ام به میان آورم؛ زیرا مجموعه‌ای کلان از نسخ خطی و چاپی و قدیم و جدید و عربی و غیر عربی است. فقط کتاب‌هایی را که دارای اهمیت اساسی نسبت به موضوعِ بحث است مورد تأکید قرار می‌دهم و در پایان کتاب فهرست‌کامل مآخذ را آورده‌ام که هرگاه خوانندگان بخواهند رجوع نمایند.

از جمله اسناد مهم تاریخ حمدانیان کتاب خطی اخبارالزمان فی تاریخ بنی‌العباس... نوشتهٔ جمال‌الدین بن ظافر است که به روزگار ایوبیان می‌زیسته و در سال ۶۲۳ه.ق وفات یافته است. این کتاب ارزشمند اخبار دولت‌های کوچک اسلامی را به ترتیب سال از ۳۲۸ تا ۵۷۵ه.ق در بر دارد و تاریخ حمدانیان و ساجیانِ جبال و طولونیان و اخشیدیان و فاطمیان در مصر و صنهاجیه (مغرب و اندلس) را شامل می‌شود. از این کتاب یک مجلّد در دارالکتاب مصر هست که تصویری است از نسخهٔ موزهٔ بریتانیا. از جمله ممیّزات و معلومات تازهٔ این کتاب که در کتاب‌های دیگر نیامده اطلاعاتی است مربوط به وزرا و کاتبان و حاجبان و قضات، به علاوه در روابط خارجی و احوال داخلی حمدانیان سخن به درازا کشانده است.

کتاب زبدة الحلب من تاریخ حلب نوشته کمال‌الدین ابن‌عدیم (۶۶۰/۵۸۸ه.ق) کم‌ارزش‌تر از کتاب ابن‌ظافر نیست. دانشمندان غربی ارزش این کتاب را کشف کردند و فریتاخ مستشرق بدان پرداخت و چند فصل از آن را منتشر ساخت، همچنین متن آن در سال ۱۸۱۵ میلادی را به لاتینی ترجمه کرد و تعلیقاتی بر آن نگاشت. سپس در سال‌های بعد فصول دیگری از آن را منتشر کرد. مولر مستشرق بخش مخصوص به حوادث سال‌های ۳۹۴ تا ۴۷۲ه.ق را ترجمه

کرد. اما تحقیق و تصحیح و نشر کامل آن از سوی دکتر سامی دهّان، مورخ سوری، بر اساس نسخهٔ اصلی موجود در پاریس با مقابلهٔ نسخهٔ لنینگراد صورت گرفت. دکتر سامی دهّان زبدة الحلب را در سه جزء بین سال‌های ۱۹۵۱ تا ۱۹۶۸م منتشر ساخت و خدمت بزرگی به عالم تاریخ عربی نمود به‌ویژه آنکه در غنی ساختن آن با شروح و تعلیقات نیز کوششی درخور به خرج داد.

عصر ابن‌عدیم یعنی اواخر قرن ششم و نیمهٔ اول قرن هفتم، پر است از مورخان مورد اعتمادی همچون یاقوت حموی، ابن‌خلکان و ابن‌شدّاد، که همگی دوستانِ ابن‌عدیم بوده‌اند و با یکدیگر مبادلهٔ علمی داشته‌اند. چون ابن العدیم با محافل رسمی سطح بالا رابطه داشت و امکان صحبت با وزرای ملوک برای وی فراهم بود و به سفارت و رفت و آمدهای سیاسی می‌پرداخت توانست به باطن امور راه یابد؛ از این‌رو کتابش سند بسیار مهمی است و در باب حمدانیان، محقق از این منبع بی‌نیاز نیست به‌ویژه دربارهٔ حلب و دوران پایانی جانشینان سیف‌الدوله یا فترت استبداد غلامان و ممالیک.

همچنین کتاب العیون والحدائق که از عکس نسخهٔ منحصر به فرد آن استفاده کرده‌ام از کتاب‌های سودمند است؛ به‌ویژه راجع به حمدانیان در دورهٔ امیرالامرائی و سر آغاز روی کار آمدن آل‌بویه، که این جزء چهارم کتاب است (حوادث ۲۵۶ـ۳۵۱هـ.ق). برای مثال، مطالب العیون والحدائق با مسکویه متفاوت است؛ زیرا به فرغانی استناد می‌کند و اطلاعات تازه‌ای از روابط ناصرالدوله با متقی خلیفه و بجکم امیرالامراء آورده و مشخصاً به جنبه‌های تازه‌ای از تاریخ حمدانیان در این دورهٔ زمانی پرداخته است.

و نیز از نسخهٔ خطی الاعلاق الخطیرة فی ذکر امراء الشام والجزیره نوشتهٔ ابن‌شدّاد (متوفی ۶۸۴هـ.ق) سود جُسته‌ام که عکس نسخهٔ آن در جامعة الدول العربیه هست. مطلب تازهٔ این مورخ توصیف بنای حلب، دروازه‌ها، دیوارها، کاخ‌ها، مساجد، مدارس، زیارتگاه‌ها و اوضاع اقتصادی و انسانی آن است. اما گذشته از اینها یک تاریخ عمومی است و مطلب تازه‌ای جز بعضی اطلاعات از جنگ‌های سیف‌الدوله با روم در بر ندارد.

کتاب الدر المنتخب فی تاریخ مملکة حلب نیز کم اهمیت‌تر از کتاب ابن‌شدّاد نیست و از جمله مستندترین مآخذ تاریخ حلب و آثار و مؤسسات و مساجد جامع و مدارس آن است، مورخان جدید مانند الغزّی در کتاب نهرالذهب فی تاریخ حلب و طباخ در اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء و دیگران مطالب خود را از این دو کتاب گرفته‌اند.

شاید از جمله بهترین مآخذ تاریخ موصل، کتاب خطی ابوزکریا ازدی است که هر دو دورهٔ اموی و عباسی را در خود جای داده است و من دربارهٔ احوال اجتماعی و عمرانی و بخش‌های شهر و قبائل آن از این کتاب استفاده کرده‌ام. اسف‌مندانه باید گفت از این کتاب جز بخش دوم (عکس در دارالکتب المصریه) یافت می‌شود.

نسخهٔ خطی تاریخ الاسلام ذهبی نیز از منابع ارزشمند در مورد آغاز دولت حمدانیان است. به عکس نسخهٔ خطی این کتاب در مرکز احیای مخطوطات جامعةالدول العربیة (در قاهره) مراجعه کرده و اصل نسخهٔ خطی آن در کتابخانهٔ احمدیه حلب است.

نسخهٔ خطی زبدة الفکرة فی تاریخ الهجرة نوشتهٔ رکن‌الدین دوادار مصری (متوفی ۷۳۵هـ.ق) نیز ارزش ویژه‌ای در باب ظهور حمدانیان و رابطه آنان با کردان و قرمطیان دارد. اصل کتاب در دانشگاه اوبسالا و دانشگاه آکسفورد و عکس آن در کتابخانهٔ دانشگاه قاهره موجود است.

شایسته است به تاریخ الفارقی یا تاریخ میافارقین نوشتهٔ احمدبن ارزق فارقی (متولد ۵۱۰هـ.ق) نیز اشاره شود که دکتر بدوی عوض آن را تصحیح کرده و در قاهره به سال ۱۹۵۹ (۱۳۷۹هـ.ق) منتشر شده است. این کتاب به لحاظ بررسی دولت مروانی که به دنبال دولت حمدانی آمد و بخشی از قلمرو آن را تصرف کرد اهمیت دارد و درباب خود منحصر به فرد است. فارقی خواسته است همچون خطیب که تاریخ بغداد را نوشت و ازدی که تاریخ موصل را نوشت، تاریخ میافارقین را بنویسد. این کتاب دائرةالمعارف آن عصر است که از عباسیان و امویان و وزیران و صاحب منصبان و امیران شام و جزیره و ارمنیه و فارس و روابط آنها سخن می‌گوید. همچنین از روابط عباسیان و رومیان و فاطمیان بحث می‌کند. از آنجا که میافارقین از جمله شهرهای مهمّ حمدانی بوده، رجوع به تاریخ میافارقین برای فهم تاریخ این شهر و بخش‌های آن و نیز فرمانروایان و والیان و تحولات عمرانی آن بایسته است.

کتاب مسکویه، تجارب الامم از جمله بزرگ‌ترین و کامل‌ترین منابع در باب رابطهٔ حمدانیان با خلافت عباسی، به‌ویژه در زمان آل‌بویه است. این مورخ، خزانه‌دار عضدالدوله بوده و آنچه از تاریخ دورهٔ ناصرالدوله و ابوتغلب می‌گوید، به چشم دیده است. مسکویه، در حملهٔ عضدالدوله به موصل شرکت داشت و پایان کار ابوتغلب حمدانی را در ۳۶۸هـ.ق شاهد بود. به راستی کتاب مسکویه دارای اهمیت فراوان دربارهٔ اوضاع عراق و جزیره در این برههٔ زمانی است. آنچه بر ارزش داده‌های مسکویه می‌افزاید مهارت شخصی و اطلاع او بر اسناد

رسمی و دقت علمی‌اش در ایراد و تنظیم معلومات و بی‌طرفی شگفت‌انگیز اوست. مسکویه وقتی به توصیف شخصیت‌های صاحب نفوذ زمان خود می‌پردازد تمایلی به مبالغه و نفاق ندارد، بلکه به عکس، مزایا و معایب آنان را به یکسان بیان می‌کند چنان که به رسم دیگر مورخان و شاعران در قهرمانی‌های سیف‌الدوله مبالغه و غلو ننموده، بلکه در ذکر اشتباه‌های نظامی وی که به شکست او در برخی جنگ‌ها انجامید، تردید نمی‌ورزد.

همچنین از مورخان متأخرتر که کار مسکویه را تکمیل کرده‌اند یکی از ابوشجاع (متوفی ۴۸۸هـ.ق) و دیگر از ابن القلانسی (متوفی ۵۵۵هـ.ق) بهره برده‌ام. ابوشجاع ذیل تجارب الامم را نوشته که برای تاریخ حمدانیانِ متأخر ارزشمند است و ابن‌قلانسی در ذیل تاریخ دمشق روابط حمدانیان متأخر را با مصر به تفصیل نگاشته است.

کتاب الاوراق نوشتهٔ محمدبن‌یحیی صولی، منبع پرمایه‌ای است راجع به امیرالامرائی حمدانیان در روزگار متقی (۳۲۹ـ۳۳۳هـ.ق) و آنچه بر ارزش کتاب می‌افزاید این است که مؤلف، آموزگار متقی و راضی (۳۲۲ـ۳۲۹هـ.ق) بوده و نوشته‌اش زنده و دقیق است و از منابعِ مسکویه می‌باشد. اخبار صولی منحصر به امور نظامی و سیاسی در آن دوران پر اضطراب نیست بلکه به مسائل مالی و اقتصادی نیز می‌رسد.

شایسته است که مشخصاً به اهمیت تاریخ طبری و الکامل ابن‌اثیر نیز در این باب اشاره شود. تاریخ طبری که تا سال ۳۰۲هـ.ق می‌رسد، از بزرگ‌ترین منابع تاریخ دولت‌های عربی است. از این کتاب و صلهٔ تاریخ طبری که عُریب بن سعد قرطبی نوشته و حوادث را تا ۳۲۰هـ.ق ادامه داده، در بررسی احوال دولت عباسی طی قرن سوم و اوایل قرن چهارم استفاده کرده‌ام. اما کتاب ابن‌اثیر در عین آنکه مکمّل تاریخ طبری است، در بررسی تاریخ حمدانیان موصل و حلب منبع ذی‌قیمتی به شمار می‌رود. ارزش کتاب ابن‌اثیر در بررسی دورهٔ اخیر حمدانیان موصل و قیام مروانیان و نیز جنگ‌های بیزانس باز هم بیشتر است.

حال که از تواریخ عمومی سخن می‌گوییم می‌توان به کتاب سترگ مروج الذهب نوشتهٔ مسعودی و نیز آثار ابن‌خلکان و ابن‌خلدون، و معجم‌ها و دائرةالمعارف‌ها و کتب طبقات که محقق تاریخ اسلامی از آنها بی نیاز نیست، اشاره کرد. اما دربارهٔ روابط حمدانیان، اخشیدیان و فاطمیان از مراجعِ تاریخ مصر همچون کتاب الولاة والقضاة کندی و المغرب فی حلی المغرب ابن‌سعید و النجوم الزاهرة فی اخبار المصر والقاهره نوشتهٔ ابوالمحاسن و الخطط مقریزی استفاده کرده‌ام که همگی در رابطهٔ حمدانیان با مصر ارزشمند است، به‌ویژه بر اهمیت النجوم الزاهره

در رابطهٔ حمدانیان و فاطمیان باید تأکید کنم. ذیل تاریخ دمشق القلانسی و اخبار الدول قرمانی هم در این مورد از منابع مهم می‌باشد.

در بررسی روابط حمدانیان و بیزانسیان و تفصیل جنگ‌های سیف‌الدوله با روم به مآخذ متعدد عربی و غیرعربی احتیاج پیدا کرده‌ام؛ از آن جمله است تاریخ یحیی بن سعید انطاکی مورخ عربی مسیحی قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) که در تاریخ امپراتور نقفور فوکاس تألیف شلمبرگر (پاریس، ۱۸۴۰م) بدان استناد شده و همچنین مدلیکییف قطعاتی از آن را در تاریخ عرب و روم خود نقل نموده، و به سال ۱۹۲۴م، با مشارکت کراتشوفسکی کتاب یحیی بن سعید انطاکی را ضمن مجموعهٔ *Patrologia Orientalis* منتشر کرده‌اند. مؤلف این کتاب می‌گوید خواسته است تاریخ المجموع علی التحقیق والتصدیق سعید بن بطریق را تکمیل کند و حوادث را از ۳۲۶ تا ۳۵۹هـ.ق ادامه داده است. یحیی از روش سعید تقلید نموده و از همهٔ خلفا و امرا به ایجاز سخن گفته و توجه خاصی به بطارکهٔ شرق دارد.

گذشته از اینها و مؤلفان تواریخ عمومی که نام بردم، برخی منابع غیر عربی نیز هست که به روابط اعراب به‌ویژه حمدانیان با بیزانسیان پرداخته‌اند. این منابع به یونانی و سریانی است و محققان معتبر معاصر در عرصهٔ تحقیقاتِ بیزانسی از آنها استفاده کرده‌اند. از جمله این محققان بزرگ واسیلیف است که قولش در تحقیقات بیزانسی حجّت است و بسیاری از بحثهایش در موضوع روابط اعراب و رومیان تنظیم شده است از آن جمله مقالهٔ او در تاریخ میانهٔ کمبریج و نیز کتاب مشهورش عرب و روم با فصل ارزشمند بیزانس و اسلام است که در مجموعهٔ گردآوری شده به دست نورمان بینز و موس مورّخ چاپ شده است. ویژگی واسیلیف در این است که از منابع یونانی و عربی با هم استفاده می‌کند.

از جمله ابحاث ارزشمند راجع به جنگ‌های حمدانیان و روم می‌توان از بحث لیونهارت دربارهٔ نقفور فوکاس و حمدانیان، و از بحث شلمبرگر دربارهٔ خود نقفور یاد کرد. رونسیمان مورخ در کتابی که راجع به امپراتور لیکابینوس نگاشته به جنگ‌های عربی ـ بیزانسی پرداخته است. همچنین از تألیفات بیوری، اومان، فینلای و دیهل که همگی از مورخان معتبر در تاریخ بیزانس هستند سود برده‌ام.

خوانندهٔ کتاب خواهد دید که فصول کاملی به جغرافیای اقالیم حمدانی جزیره و شام و همچنین جغرافیای ثغور و عواصم (که میان عرب و روم دست می‌شد) اختصاص داده‌ام و به منابع مشهور جغرافیایی عربی تألیفات مقدسی و اصطخری و ابن‌حوقل و ابن‌خردادبه و

قدامه و ابن‌فقیه و ابن‌رسته و هَمْدانی و یاقوت، و نیز محققان معاصر و در رأس همه به لسترنج مراجعه کرده‌ام. این کتابها در عین حال منابع اوضاع اقتصادی و عمرانی نیز هستند.

منابع ادبی منظوم و منثور نیز از جمله غنی‌ترین مآخذ تاریخ حمدانیان است که دربارِشان به دسته گلی شکوهمند از ادیبان و شاعران و متفکران آراسته بود. لذا از اشعار شاعرانی چون وَأواء و صنوبری در توصیف دیرها و باغ‌ها و روستاهای حلب و همچنین از اشعار سریّ رفّاء در وصف موصل و حمام‌ها و میخانه‌های آن استفاده کرده‌ام. همچنان که دیوان کشاجم در وصف بزم‌های شادخواری و آلات طرب و عادت‌های اجتماعی آن دوران ارزشمند است. نیاز به گفتن نیست که دیوان ابوفراس حمدانی و متنبّی دو منبع تاریخی مهم، به‌ویژه دربارهٔ جنگ‌های سیف‌الدوله با روم هستند. یتیمة الدهر ثعالبی نیز از دیوان‌های نامبرده کم‌اهمیت‌تر نیست و سند معتبری از زندگی فرهنگی دورهٔ حمدانی است. علاوه بر این دوست دارم از نشوار المحاضره تنوخی (چاپی و خطی) نام ببرم که تصویر درخشانی از جوانی ناصرالدوله و رابطه‌اش با پدرش ابوالهیجا و دیگر افراد خاندان حمدانی عرضه می‌دارد. درست است که اینها حکایت است، اما معلومات تازه‌ای دربارهٔ حمدانیان به دست می‌دهد.

بر خود بایسته می‌بینم به گروهی از مورخان معاصر اشاره کنم که در باب حمدانیان سعی قابل تقدیر کرده‌اند و من از حاصل کوشش‌های آنان بهره برده‌ام. از مورخان بیگانه ماریوس کانار؛ با کوشش‌های علمی‌اش در این عرصه گام نهاده و نصوص کمیابی دربارهٔ زندگی سیف‌الدوله را گرد آورده و توجه زیادی به ارتباطات عربی ـ بیزانسی دارد. همچنین مورخ هندی، صدرالدین کتابی در خصوص سیف‌الدوله و روزگارش نوشته است. تحقیقات سوویژه دربارهٔ حمدانیان بسیار با اهمیت است وکتاب فریتاخ آلمانی راجع به حمدانیان، همچون گزیده‌ای است از کتاب ابن‌عدیم.

در این اواخر تحقیقات ارزشمندی از مورخان معاصر عرب مشاهده می‌کنیم. از آن جمله است الدرّ المنتخب فی تاریخ حلب تألیف ابن‌الشحنه و کتاب سیف‌الدولة و عصر الحمدانیین نوشتهٔ سامی الکیالی، و خطط الشام اثر محمد کُردعلی، و نهر الذهب فی تاریخ حلب الغُزّی، و تاریخ الموصل سلیمان صائغ موصلی که از کتب نادر در این باب است.

و نیز باید به استفاده‌ای که از معجم‌ها و دائرةالمعارف‌ها و کتب طبقات و تراجم و انساب برده‌ام اشاره کنم، همچون انساب الاشراف بلاذری، و التنبیه والاشراف مسعودی، جمهرة انساب

العرب ابن‌حزم، و نهایة الارب نویری، صبح الاعشی قلقشندی، و معجم ما استعجم بکری، و معجم القبائل العربیة کحاله، و وفیات الاعیان ابن‌خلکان، و معجم الادباء و معجم البلدان یاقوت حموی، و اعیان الشیعة محسن عاملی، و نیز دائرةالمعارف الاسلامیة و دائرةالمعارف بریتانیا. منابع دیگر را خواننده محترم به طور مشروح در پایان کتاب خواهد یافت.

بخش اول

حمدانیان در موصل

صفحهٔ ۱۶ خالی است

باب اول: ظهور حمدانیان

فصل اول

روح زمانه

اگر این سخن درست باشد که قرن چهارم هجری (دهم میلادی) دوران پختگی تمدن در جامعه عربی ـ اسلامی است، چنان که بغداد مورد توجه خاص قرون وسطا قرار گرفت و جویبار علم و معرفت و انواع تجمل و تنعم به سوی آن سرازیر گردید؛ در عین حال همین قرن شاهد اوج منازعات فکری و اجتماعی و سیاسی است. همچنان که ضربهٔ جنبش‌های معارض با اصول متغایر را از نیمه دوم قرن سوم به بعد شاهد بوده است.

اگر محقق بخواهد به اجمال نشانه‌های عمومی را که روح آن عصر را متمایز می‌سازد ذکر کند سه نشانهٔ بارز می‌یابد که نیمهٔ دوم قرن سوم و تمام قرن چهارم با آن مشخص می‌شود؛ نخست، ضعف قدرت مرکزی خلافت عباسی و تباه شدنِ وحدت اسلامی و استقلال در گوشه و کنارِ قلمرو خلافت. دوم، شدّت گرفتنِ اختلاف طبقاتی و خراب شدن اوضاع زندگی عموم مردم و تمرکز ثروت در دست برخی طبقات کم‌شمار اجتماعی. سوم، فراگیری جنبش‌های انقلابی و کشمکش اجتماعی و تبلیغات دینی معارض با قدرت مرکزی.

حقیقت این است که این نشانه‌ها را نمی‌شود جدا از هم بررسی کرد؛ زیرا ارتباط انداموارِه و تأثیرات متقابل دارند؛ بدین شرح که خرابی اوضاعِ طبقات عامه به برافروخته شدن جنبش‌های معارض انجامید. رهبران این جنبش‌ها، اختلاف شدید طبقاتی را عاملی برای تقویت انتظارات توده‌های فقیر یافتند که آنان را در آغوش هر دعوت اجتماعی که خواهان تغییر باشد، می‌افکند. اگر آن دعوت در برنامه‌های اجتماعی خود روش دینی داشت، رویکرد توده مردم به رهبران این جنبش‌ها ـ با هر انگیزه‌ای که داشتند ـ بیشتر می‌شد. منابعِ قرن سوم و چهارم هجری پر از اخبار جنبش‌هایی است که ضعف حکومت مرکزی عاملِ تشویق‌کننده و برانگیزندهٔ خروج‌کنندگان و داعیه‌داران و انقلابی‌هایی

بوده است که به آسانی یاورانی برای تهدید خلافت، حتی در مرکز قدرتش می‌یافتند؛ چه رسد به اینکه قطعاتی از اجزای دور دست پیکر دولت را جدا کنند، جایی که با گذشت زمان تسلّط قدرت مرکزی کمتر می‌شد. منابعِ آن عصر چنین کسان را بحق، متغلبان (=چیره‌گران) نامیده‌اند.

گرچه ضعف حکومت مرکزی یکی از اسباب تداوم جنبش‌های استقلال‌طلبانه یا تجزیه‌طلبانه یا اجتماعی بود، با این حال می‌توان خودِ این را از نتایج افزایش و شیوع آن جنبش‌ها نیز بر شمرد؛ زیرا اجبار در نگهداری لشکریان مزدور پر شمارْ، خود بر ضعف حکومت مرکزی می‌افزود. این مزدبگیران بودجهٔ هنگفتی برای حقوق افراد، هزینهٔ اسلحه، چهارپا و آذوقه می‌طلبیدند و چون قیام‌کنندگان بر خلافت در درجهٔ اول یاوران خود را از میان کشاورزان جذب می‌کردند نتیجهٔ حتمی آن، کم شدن بازوانِ مولّد و کارگر بود و درنتیجه زراعت را فلج می‌کرد و ممّر درآمد دولت را کاهش می‌داد، آنگونه که مشخصاً همین عکس‌العمل در زمان خلفای متأخر روی داد. همچنان که هرگاه موقعیت خلیفه بحرانی می‌شد و نیاز به خدمات سپاهیان، فزونی می‌یافت، سپاهیان و پیش از آنان سرانِ ایشان درخواست حقوق و افزایش حقوق می‌کردند به حدی که خلیفه از پاسخ به آن تقاضاها عاجز می‌شد و این خود بر سرکشیِ سپاه و عزل و شکنجه خلیفه می‌انجامید. خلیفگان ضعیف برای حفظ مقام بلکه جانِ خود ناچار به پیروی از آنگونه سیاست‌های مالی اقتصادی شدند که تمام ذخیره‌های بیت‌المال ته کشید و زارعان، تاجران و صنعتگران، بلکه برزگران به فلاکت افتادند، هرگاه خلیفه‌ای با استعداد و متمایل به اصلاحات بر حکومت دست می‌یافت و می‌خواست در مقابل فساد سپاهیان ترک و دیلم مقاومت کند کسانی که مصالح مستقیمشان در همان مفاسد بود بر او هجوم می‌بردند و به شکلی خود را از دست او می‌رهانیدند.

از جهت دیگر فراوانی شورش‌ها و حرکات جدایی‌طلبانه و فتنه‌ها موجبِ اختلال در امنیت و از میان رفتن ثبات در ارکان دولت شد و درکنار انقلابیونِ مخلص، گروه‌هایی نیز پیدا شدند که زادهٔ آن اوضاعِ استثنایی بودند. بعضی به شدّتِ عمل و خشونت و دزدی دست می‌زدند و برخی به حیله‌گری، کسانی هم خود را به آغوش حکومت افکنده، از راه چاپلوسی و خوش‌خدمتی شکم‌چرانی می‌کردند و گروه چهارم بر همهٔ قراردادهای حاکم می‌شوریدند و ارزش‌ها و سنت‌ها و افکار احترام‌آمیز را منکر می‌شدند. گروه پنجم از

اجتماعْ دامن کشیده سلامتِ روح و پاکیزگی طلبیده به مبارزهٔ منفی با فسادِ مسلّط پرداخته از خویش به عنوان صوفی تعبیر می‌نمودند.

پدیدهٔ سلطهٔ مرکزی از پدیدهٔ تجزیه‌طلبی و استقلال اطراف جدایی نداشت همچنان که این دو پدیده، خود با پدیدهٔ افزایش شورش‌ها و جنبش‌های اجتماعی و بالا گرفتن مبارزهٔ فکری اجتماعی ارتباط می‌یافت. برای محقق معلوم است که این پدیده‌ها نتیجهٔ حتمی و متناسب با طبیعت احوال و تحول جامعهٔ اسلامی بود. رشدِ حرکت فکری و آمیزش تمدن‌های جهانی کهن و تحول اقتصادی دولت به سویِ زراعتِ وسیع مبتنی بر اقطاع و بهره‌کشی از بردگان و کشاورزان شبه‌برده و نیز تمرکز زمین در دست معدودی سران نظامی و تاجران توانگر و کارگزارانِ بزرگ، تغییری یافت و تبلیغات دینی و اجتماعی نیز گسترش یافته بود. این همه ناچار می‌باید به نتیجهٔ مورد انتظار منجر می‌شد. چگونه جامعه‌ای که شاهد همهٔ این تحولات فکری و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است، ساکن و جامد باشد؟ اینکه خلیفه از صفت قدسی بهره‌مند بود برای خلافت عمر طولانی تأمین می‌نمود اما برای پیشگیری از انفجار شورش‌ها و حرکات جدایی‌طلبانه کافی نبود.

حقیقت این است که پدیدهٔ تجزیه‌طلبی طبیعی است و شگفتی مورخ را برنمی‌انگیزد و منحصر به دولت عربی اسلامی نیز نیست بلکه دامن‌گیر همهٔ دولت‌های بزرگ کهن و نو است که اقالیم دور دست و ملل و اقوام گوناگون را به هم بسته و پیوسته‌اند. درست است که اسلام همچون یک پیوند قوی همهٔ اقوام مسلمان را به هم ارتباط داده، جای هر رابطهٔ قبیله‌ای یا نژادی دیگر را گرفته بود، اما این امر در باب دوره‌های آغازینِ اسلام صادق است نه دربارهٔ دورهٔ متأخر. ما نمی‌خواهیم وارد تفصیلِ تفاوت‌ها شویم. کافی است اشاره شود به ارثی شدنِ خلافت و پیروی از سیاست مالی ـ اجتماعی تبعیض‌آمیز بین رعایا و بدرفتاری والیان و کارگزاران و گردآورندگان مالیات و نیز باقی بودن گرایش‌ها و رویکردهای دینی و قومی کهن در اجتماعات ریشه‌داری که اسلام فتح کرده بود. بر این زمینه، جنبش‌های مبتنی بر اصول گوناگونی پدید آمد که از نومیدی بسیاری از مردم از عدالت اجتماعی در سایهٔ خلافت عباسی سود می‌جُست و این همه ضربه کوبنده‌ای بر وحدت دولت اسلامی و ایجاد شکاف، بلکه تجزیه آن بود.

در اینجا می‌خواهم قول بسیاری از محققان را که شورش‌های متعدد و ناآرامی در دوره‌های اخیر عباسی را به ضعف خلفا نسبت می‌دهند رد کنم. این عامل به تنهایی

مشخص‌کنندهٔ علل و موجبات این پدیده نیست. برای نمونه ابوجعفر منصور توانست سرکشی‌های خطرناک در زمان خود را مهار کند. این موفقیت تنها با قوّت اراده و عزم راسخ و خویشتنداری منصور تفسیر نمی‌شود؛ همچنان که نقیض این صفات در خلفای متأخر، به تنهایی وخیم شدن اوضاع و بالا گرفتن حرکاتِ استقلال‌طلبانه و جدایی‌خواهانه را توجیه نمی‌کند. باید آن علل اساسی را در تحولات اقتصادی، اجتماعی و فکری جستجو کرد که به صورت نتایج مذکور تبلور یافت و چهره نمود.

در اینجا لازم است بر امر مهمّی در رابطه با پدیدهٔ تجزیه دولت عباسی تأکید کنیم و آن این است: سرزمین‌های وسیع ضمیمه شده به دولت اسلامی، وقت کافی برای جذب در یک وحدت ارگانیک را نداشت، فتوح اسلامی گرچه به سرعت شکل ارتباط سیاسی را تغییر داد، اما برای ایجاد تغییر اساسی در نظام روابط طبقات کافی نبود؛ زیرا وصول به این هدف پیچیدگی داشت و شیوه‌هایی که والیان و کارگزارانِ مالی، پس از عصر خلفای مدعی عدالت و نیرومند در پیش گرفتند، عکس‌العمل‌های بدی در مناطق فتح شده برانگیخت. اهالی این سرزمین‌ها طبق تعالیم اسلام و روش خلفای نخستین انتظار عدالت داشتند، اما والیان می‌خواستند از ولایاتی که به آنان واگذار شده بهره‌کشی حداکثری کنند، بلکه بعضی والیان، آن ولایات را ملک شخصی می‌انگاشتند و برای بهره‌برداری، از کارگزاران و حقوق‌بگیران و مأموران مالیاتی حریص‌تر از خودشان کمک می‌گرفتند و چون خلیفه دستش به آنان نمی‌رسید و تقریباً ابزاری برای منع وجود نداشت و دستگاه خلافت گرفتار مشکلات پایتخت و حوالی آن و پاسخ دادن به لشکریان مزدور ترک و دیلم بود، برای والی طمعکار فضای خالی بلامانعی پدید می‌آمد.

علاوه بر این، سرزمین‌هایی که خلفا از ایران و روم به ارث بردند دارای جامعهٔ طبقاتی بود؛ گرچه ورود اسلام قدری از اختلافات طبقاتی کاست اما در دورهٔ اموی تمایز جدیدی بر تفاوت‌های طبقاتی پیشین افزوده شد و آن تبعیض میان عرب و موالی بود که خودْ جنبش‌های معارض شدیدی با مُهر و نشان افکار و عقاید کهن برانگیخت؛ میدان این تحرکات اقالیم شرقی خلافت بود. همچنین اقوام و نژادهای گوناگون مناطق اسلامی نیز کاملاً در هم نیامیختند که این خود بعدها عامل خصومت و کینه شد. این اختلافات در آغاز، تأثیر عقیده دینی نهفته می‌بود، اما هر چه زمان پیش رفت تعصبات نژادی و قومی بیشتری پدید آمد که در ادبیات قرن سوم و چهارم نیز منعکس است. چنان که جاحظ رساله‌ای در